مجله اقتصادی - ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی
شماره‌های ۱ و ۲، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۰، صفحات ۱۱۰ - ۹۱

بررسی ابعاد تأثیرگذار بر ساختار امنیتی بازار جهانی نفت

مهری شکاری[۱]

امنیت انرژی یکی از مهم‌ترین ابعاد موردتوجه کارشناسان در محافل علمی و اقتصادی دنیا می‌باشد. ابعاد تأمین امنیت انرژی بسیار وسیع وگسترده است و بر این اساس مطالعات گسترده در این حوزه نیازمند مطالعات جدیدتر و بهره‌مندی از دیدگاه‌های دقیق‌تر می‌باشد. بدیهی است این امر به منظور اعمال سیاستگذاری‌های مناسب و همچنین تجزیه و تحلیل شرایط و تحولات فعلی ضرورت انکارناپذیر می‌باشد. نفت همانند خون در جریان اقتصاد غرب و نبض اقتصاد اغلب تولیدکنندگان بزرگ بازار نفت و به ویژه اعضای خاورمیانه است. از این رو، ارتباط انکارناپذیری میان سطح فعالیت‌های اقتصادی جهان و بازار نفت وجود دارد. بهره‌مندی از نفت نه تنها به عنوان ابزاری استراتژیک در سیاست خارجی مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان به شمار می‌رود بلکه به عنوان یکی از چالش‌های عمده مؤثر بر امنیت بازار جهانی نفت محسوب می‌شود. بر این اساس به نظر می‌رسد غیر سیاسی کردن بازار انرژی ضرورتی حیاتی است که می‌تواند فضایی را برقراری امنیت بلندمدت انرژی فراهم آورد که در این مقاله بدان پرداخته می‌شود.

واژه‌های کلیدی: نفت، عرضه و تقاضا، تحریم، غیراوپک، سیاست خارجی، اقتصاد سیاسی، اوپک، ذخایر استراتژیک، چشم‌انداز جهانی.

۱. کارشناس ارشد اقتصاد. shekarieconomics@yahoo.com

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22]

۱. مقدمه

شناسایی عناصر تأمین‌کننده امنیت در بازار نفت و اثر آنها بر شناسایی رفتار قیمت‌ها بسیار مشکل و تا حد زیادی مبهم است. همچنین شناسایی دلایل ظهور این علایم نیز بسیار پیچیده هستند (متیوتی‌یونیک، ۲۰۰۹). به ویژه در حوزه نفت هیچ راهی وجود ندارد که بتوانیم بگوییم که چه مقدار از افزایش قیمت‌ها ناشی از تغییرات بنیادی بوده است و یا اینکه تغییرات قیمت تا چه حد متأثر از رفتار سفته بازارها بوده است. تنها امکان پیش‌بینی این تأثیرات بر شناسایی رفتار بازارها در روندهای رو به بالا و یا پایین قیمت‌های نفت است. از این رو، عدم قطعیت در مطالعات و پیش‌بینی‌ها در این بازار با درصدی از خطا همراه است و امکان سیاستگذاری مطلق وجود ندارد که این موضوع دلیل عمده‌ای بر شکست ساختار امنیت بازار نفت است. اگر بپذیریم که بازارها قادر به ایجاد علائم پیش‌بینی‌کننده هستند و این علائم از طریق قیمت‌ها در بازار منعکس می‌گردد پس می‌بایست بتوانیم از پویای‌های قیمت‌ها در بازار نفت به طور جدی بهره‌مند شویم و از این علائم برای شناسایی آینده بازار استفاده نماییم.

پورتر (۱۹۹۵) معتقد است که موضوع کم‌یابی عرضه بازار نفت به عنوان یک عامل تأثیرگذار بر امنیت بازار بیشتر تحت تأثیر حوادث قریب الوقوع است. از جمله مسائلی مانند حملات تروریستی یا تغییرات آب و هوایی که می‌تواند به مقدار زیادی عرضه نفت را کاهش دهد از جمله گردبادهای ریتا و کاترینا در سال ۲۰۰۵، وقوع چنین حوادث غیرقابل پیش‌بینی به صورت ناگهانی منجر به افزایش قیمت‌های نفت به دلیل کاهش عرضه گردیده و در نهایت افزایش قیمت‌ها، کاهش تقاضا و توسعه بیشتر منابع جایگزین را به همراه دارد. رشد قوی قیمت‌ها در بازار نفت در ۸ سال گذشته نشان می‌دهد که وارد دوره‌ای شده‌ایم که ذخایر نفتی فعلی به عنوان یک عامل محدودکننده بازار هستند. این نتیجه تحت تأثیر عواملی از جمله عدم کافی بودن استخراج‌هاو ظرفیت پالایشگاه‌ها، رشد تقاضا در آسیا و کاهش تولیدات در برخی از حوزه‌های بزرگ است که تحت تأثیر جریان‌های فوق موضوع امنیت در بازار جهانی نفت با چالش‌های جدی مواجه خواهد شد. از این رو، مطالعات و تحقیقات گسترده به منظور ارائه راهکارهای مناسب برای تمام سیاستگذاران و فعالان در این بازار را ضروری می‌سازد.

در این پژوهش ابتدا به بررسی پویایی‌های بازار نفت می‌پردازیم، سپس عوامل تأثیرگذار بر طرف عرضه ارائه می‌شود. در ادامه ضمن بررسی نفت ارزان به عنوان منبع بی‌ثباتی سیاسی و

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22]

اقتصادی، اقتصاد سیاسی نفت مطرح می‌گردد و در نهایت، سرمایه‌گذاری و عوامل محدودکننده آن و همچنین نتیجه‌گیری از مباحث مطرح‌شده ارائه خواهد شد.

۲. مروری بر مطالعات انجام‌شده

از جمله مطالعات انجام‌شده در ارتباط با موضوع امنیت انرژی می‌توان به مطالعه اسچل، موسلنر و دریک (۲۰۱۰) اشاره کرد. در این مطالعه شاخص‌های تأثیرگذار بر امنیت انرژی در کشورهای صنعتی از طریق مقادیر گذشته و آینده این شاخص‌ها مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. براساس نتایج این مطالعه شاخص‌های گذشته بیشتر تحت تأثیر توسعه قیمت‌ها می‌باشد در حالی‌که شاخص‌های آینده بیشتر بر مسائل بالقوه بازار متمرکزند و اینکه ساختار بازار نفت به میزان زیادی تحت تأثیر بی‌ثباتی سیاسی کشورهای صادرکننده است.

متیوتی یونیک (۲۰۰۸) در مطالعه خود با تأکید بر نقش سیاست‌های کشورهای واردکننده در کنار موضوع مصلحت‌گرایی منابع از سوی کشورهای صادرکننده به بررسی نقش اقتصاد سیاسی انرژی می‌پردازد. علاوه بر این، وی در مطالعه خود نشان می‌دهد که منحنی هابرت و سایر مدل‌های پیشین نقش اقتصاد سیاسی را در مدل‌های خود وارد نکرده‌اند و از این رو، این مدل‌ها برای استفاده در شرایط فعلی نامعتبر می‌باشند.

جوهانسون (۲۰۱۰) در مطالعه خود با بررسی منابع آینده عرضه نفت و تأکید بر مسئله عدم شفافیت در آمار و داده‌های تولید و ذخایر کشورهای صادرکننده موضوع امنیت در عرضه نفت را مورد بررسی قرار می‌دهد.

هیول‌تینگ‌تون (۲۰۰۸) در مطالعه خود به بررسی تأمین امنیت بازار انرژی آمریکا از طریق کاهش اتکا به واردات نفتی و گسترش استفاده از منابع جایگزین می‌پردازد. همچنین وی از طریق آنالیز تحلیل ریسک تأثیر افزایش قیمت‌ها را بر اقتصاد کشورهای صنعتی بررسی می‌کند.

میلر و راتی (۲۰۰۹) به بررسی رابطه بلندمدت میان قیمت‌های نفت و سطح ذخایر کشورهای صنعتی پرداخته و نتایج مطالعه آنها نشان می‌دهد که سطح ذخایر رابطه منفی با افزایش قیمت‌های نفت دارد. بروز چندین حباب در قیمت‌های نفت و ذخایر در آغاز دهه جدید نیز شواهدی بر وجود رشد غیرواقعی و رسیدن به سطح نزول تولیدات دنیا است که این موضوع می‌تواند برای امنیت بازار جهانی نفت بسیار مورد توجه باشد.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22]

۳. پویایی‌های قیمت نفت، علل و آثار آن بر ساختار امنیتی بازار نفت

از آنجایی‌که نفت کالایی اقتصادی است، ماهیت استراتژیکی آن باعث می‌گردد که بررسی پویایی‌های بازار نفت جدای از قوانین سایر بازارها بررسی شود. قیمت‌های نفت از اواخر دهه اخیر تا سال ۲۰۰۸ در یک مسیر صعودی قرار داشتند. رشد سریع قیمت‌های نفت در نیمه دوم سال ۲۰۰۷ به گونه‌ای بود که تنها در عرض ۱۲ ماه تقریباً دو برابر شدند و در این مدت کوتاه قیمت نفت از بشکه‌ای ۷۴ دلار در ۹ جولای ۲۰۰۷ به ۱۴۷ دلار در ۱۱ جولای ۲۰۰۸ رسید. دلیل پویایی‌های اخیر بازار نفت تحت تأثیر عوامل پیچیده و گسترده‌ای است از جمله این عوامل، رشد تقاضا به ویژه از سوی هند و چین، بی‌ثباتی سیاسی در خاورمیانه به ویژه میان کشورهای بزرگ تولیدکننده نفت ناشی از گسترش درگیری‌های داخلی، کاهش سطح سرمایه‌گذاری‌ها برای توسعه ظرفیت تولید و پالایش و کاهش سطح ظرفیت مازاد تولید به دلیل افت شدید قیمت‌ها بعد از بحران مالی ۲۰۰۸، کاهش عرضه غیر اوپک، کاهش سطح ذخایر فعلی به دلیل ازیاد برداشت، ضعف دلار و نقش سفته بازارها در بازار نفت. علاوه بر عوامل مذکور، مطالعه IMF درخصوص علل افزایش قیمت‌های نفت طی سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ نشان داده که این افزایش در خلال سال‌های اخیر تحت تأثیر سه جریان تأثیر عوامل بنیادی در تولیدات نفت مانند رشد سریع مصرف و محدودیت سطح ظرفیت‌های مازاد تولید در برابر آن، نااطمینانی درخصوص ظرفیت آینده نفت ناشی از محدودیت واکنش سرمایه‌گذاری در برابر افزایش قیمت‌های نفت و آمارهای اشتباه عرضه-ذخایر-صادرات و تأثیر اندک سفته بازها در بازار بوده است (جوهانسون، ۲۰۰۹).

از اواسط جولای ۲۰۰۸ تا سپتامبر ۲۰۰۸ قیمت‌های نفت از ۱۴۷ دلار به ۹۹/۰۴ دلار در هربشکه کاهش یافت و مجدداً به ۱۲۰ دلار و در مدت کوتاهی به ۹۸ دلار رسید به گونه‌ای که این اتفاقات تنها درچند روز محقق شد. این موضوع شاهدی بر پوپایی فزاینده این بازار نسبت به بازار سایر کالاها دارد. از جمله آثار این پویایی بازار نفت، تأخیر در اجرای پروژه‌ها و تصمیم‌گیری‌ها می‌باشد. از این رو، سرمایه‌گذاری‌های گسترش ظرفیت تولید تا حصول چشم‌انداز مطمئن محقق نمی‌شوند. با افزایش ریسک، نااطمینانی در اجرای پروژه‌ها و تصمیم‌گیری‌ها بر دامنه نوسان‌های بازار می‌افزاید. از این رو، پویایی‌های بازار نفت به عنوان یکی از عوامل عمده ایجاد بی‌ثباتی و در نهایت ناامنی بازار نفت به شمار می‌آید.

دیفیز و هیرسچ (۲۰۰۵) دریافتند که ارتباط بی‌ثباتی در قیمت‌های نفت و وقوع شوک‌های نفتی بسیار پیچیده است. بر اساس مطالعه آنها شوک‌های بزرگ جهانی در راه هستند و ظرفیت مازاد

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22]

تولید هر روز در حال کاهش و ناپدید شدن است، در نتیجه هرگونه بی‌ثباتی در عرضه منجر به افزایش بی‌ثباتی ناشی از افزایش قیمت‌های نفت می‌گردد. همچنین، به نظر می‌رسد که سطح ذخایر جهان رو به کاهش شدید است که این موضوع بر امنیت عرضه آینده نفت بسیار مؤثر است. از این رو، به نظر می‌رسد که دستیابی به امنیت در بازار آشفته انرژی به راحتی حاصل نخواهد شد و نیازمند همکاری همه‌جانبه فعالان این بازار است. همچنین، یک توسعه و رشد جدید در اقتصاد جهانی می‌تواند زمینه افزایش مجدد قیمت‌ها در آینده را فراهم سازد.

۴. جریانات تأثیرگذار در طرف عرضه نفت

۴-۱. اوپک بزرگترین عامل بالقوه آشفتگی در بازار نفت

نقش اوپک در بازار جهانی نفت به دلیل در اختیار داشتن بالاترین سطح ذخایر جهان انکارناپذیر است. هر چند این جریان تا حد زیادی بسته به ثبات و نحوه نظارت و اجرای سیاست‌های اوپک بر بازار جهانی نفت دارد، از این رو اهمیت اوپک به عنوان دارنده بزرگترین ذخایر تولید و عرضه نفت جهان و جایگاه این سازمان در بازار جهانی نفت به عنوان یکی از عمده‌ترین عناصرتأمین‌کننده امنیت بازار نفت قابل توجه زیادی است.

براساس مطالعه هیونگ تینتون، از جمله اقداماتی که اوپک باید برای ایفای نقش هدایت‌کنندگی و کنترل بازار مورد توجه قرار دهد بررسی نوسان‌های پولی و تورمی جهانی و اثر آن بر تجارت و قدرت خریداعضاء اوپک در رسیدن به روش جدید برای قیمت‌گذاری نفت بدون نفوذ دلار، ایجاد ارتباط با کشورهای در حال توسعه غیرنفتی و کشورهای غیرمتعهد و سایر سازمان‌ها و ایجاد همکاری منطقه‌ای با مصرف‌کنندگان نفت، مشارکت بیشتر اوپک در زمینه پالایش نفت خام، اقدام جمعی جهت مقابله با پدیده‌ها و عواملی که گردش آزاد و شفافیت بازار نفت را مخدوش می‌کنند، همکاری با سایر تولیدکنندگان نفت در جهان در جهت هماهنگی سیاست‌های نفتی و حمایت از سهم نفت در سبد انرژی جهان، همکاری نزدیک‌تر با کشورهای غیرعضو اوپک و توسعه این همکاری‌ها، پذیرش اعضاء جدید، اتخاذ سیاست‌های خاص در جهت برقراری همکاری و هماهنگی با سازمان‌هایی که در زمینه نفت فعالیت دارند، عدم تقابل اوپک با آژانس بین‌المللی انرژی و اصلاح ساختار تشکلاتی داخلی اوپک جهت ایفای نقش گسترده‌تر خود می‌باشد.

آینده اوپک و آینده قیمت‌های نفت براساس مواضع سه کشوری که قابلیت ظرفیت تولید و عرضه تقریباً نیمی از تولیدات جهان را دارند پیش‌بینی می‌شود. از این رو ایران، عربستان، عراق و

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22]

روابط این سه کشور بایکدیگر و با دیگر کشورهای جهان به ویژه آمریکا روشن‌کننده خط‌مشی اوپک و بهای نفت در بازار جهانی خواهد بود.

۴-۲. عربستان

بین اعضای اوپک، عربستان به عنوان بزرگترین تولیدکننده نفت جهان ودارنده بالاترین ذخایر میان اعضای اوپک به عنوان یکی از منابع بالقوه تهدید عرضه بازار نفت به شمار می‌آید. حملات تروریستی و حمله به تأسیسات نفتی عربستان به راحتی قادر است ۳ میلیون بشکه نفت را از بازار خارج سازد که نتیجه چنین جریانی، افزایش معنادار قیمت‌های نفت است. همچنین این موضوع با افزایش قیمت‌ها در کوتاه‌مدت و افزایش نگرانی عرضه آینده منجر به افزایش بیشتر قیمت‌ها در قراردادهای آینده نفت نیز می‌گردد.

صادرات عربستان حدود ۷ میلیون بشکه در روز است که نزدیک به ۹ درصد ازمصرف دنیا و ۲۵ درصد از تولیدات اوپک را تشکیل می‌دهد. آثار کوتاه‌مدت کاهش تولیدات عربستان، افزایش شدید قیمت‌ها و آثار بلندمدت آن تأثیری بر سطح فعالیت‌های اقتصاد جهانی است.

۴-۳. عراق

پس از عربستان، عراق به عنوان دومین منبع آشفتگی در طرف عرضه بازار نفت به شمار می‌آید. قطع صادرات عراق حدود ۲/۲ میلیون بشکه در روز به صورت معناداری باعث افزایش قیمت‌های نفت در میان‌مدت می‌گردد.

براساس گزارشات اوپک (۲۰۰۵) قطع صادارت عراق، ۲/۳ میلیون بشکه نفت را از بازار خارج می‌سازد. از این رو، ورود صادرات عراق به بازار نفت می‌تواند اثر معناداری بر جلوگیری از افزایش قیمت‌ها داشته باشد.

تاریخ بی‌ثبات عراق در ۲۵ سال گذشته آثار معناداری بر تغییرات تولیدات نفت خام داشته است.دو جنگ بسیار مهم ایران و عراق ۱۹۸۰ و جنگ خلیج فارس در ۱۹۹۰ از جمله دلایل کاهش شدید تولیدات طی سال‌های فوق بوده است.

در حال حاضر نیز میزان سرمایه‌گذاری در ساختارهای نفتی عراق به دلیل گسترش نااطمینانی‌ها کاهش یافته است. در حال حاضر ظرفیت تولید عراق نزدیک به ۲/۸ میلیون بشکه در روز است که با وجود مصرف داخلی حدود ۶ میلیون بشکه در روز که این رقم به ۲/۲ می‌رسد.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22]

قطع تولیدات عراق و حفظ سطح عرضه بازار نیازمند افزایش سهیمه سایر اعضای اوپک و یا بهره‌مندی از ظرفیت مازاد تولید اعضایی می‌باشد که ازچنین ظرفیتی برخوردارند. گسترش تولیدات سایر اعضاء برای جایگزینی تولیدات عراق نیز چند ماه طول می‌انجامد و تنها در کوتاه‌مدت قادر به جبران شکاف تولیدات عراق از بازار است و در بلندمدت نیازمند طرح‌های گسترش سرمایه‌گذاری برای افزایش تولیدات است. از این رو، عراق نیز به عنوان یکی از عوامل بالقوه بی‌ثباتی بازار نفت به حساب می‌آید.

۴-۴. ذخایر استراتژیک نفت[1]

آمریکا بزرگترین قدرت اقتصادی دنیا است و در عین حال بزرگترین واردکننده نفت در دنیا. از این رو، تغییرات بازار نفت تأثیر بسیاری بر اقتصاد این کشور دارد و این موضوع باعث گردید تا در سال ۱۹۷۵ این کشور به همراه چندین عضو اروپایی ذخایر استراژیک را به جهت کنترل و حفظ اقتصاد از صدمات این بازار تأسیس نمایند.

وابستگی اقتصاد آمریکا به نفت باعث می‌گردد که اقتصاد این کشور در برابر شوک‌ها و نوسان‌های قیمت آسیب جدی ببیند و شواهد تاریخی نیز در اقتصاد آمریکا نشان داده که تغییرات قیمت تأثیر بسزایی در رشد این کشور از جمله رشد تولیدات داخلی این کشور داشته است. به گونه‌ای که با افزایش قیمت نفت قیمت کالاهای دیگری که از نفت در تولید آنها استفاده می‌شود نیزمانند گازوییل و سوخت‌های دیزلی ومحصولات پتروشیمی نیز افزایش می‌یابد و در نتیجه باعث افزایش قیمت کالاها و خدمات می‌گردد و این نیز به نوبه خود باعث کاهش فعالیت‌های اقتصادی می‌گردد. نزدیک به ۴۰ درصد از نفت دنیا توسط آمریکا مصرف می‌شود. بیشترین مصرف انرژی این کشور در بخش حمل و نقل است که نزدیک به ۹۶ درصد از کل واردات را به خود اختصاص داده است. تقاضای روزانه نفت دنیا نزدیک به ۸۳ میلیون بشکه درروز است که ۲۱ میلیون بشکه از آن برای آمریکاست.

بر اساس چشم‌انداز EIA، در سال ۲۰۰۶ تقاضای نفت آمریکا در سال ۲۰۱۵ به ۶/۲۳ میلیون بشکه درروز و در سال ۲۰۲۵ به ۱/۲۶ میلیون بشکه درروز خواهد رسید. طبق این چشم‌انداز رشد تقاضای نفت این کشور در سال ۲۰۱۵ برابر با ۱۲ درصد و در سال ۴/۲۰۲۵ درصد رشد خواهد کرد. با استفاده از این ذخایر اقتصاد در برابر افزایش قیمت نفت حمایت می‌شود و از سوی دیگر نیز

1. Strategic Petrolum Reserve

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22]

با تعدیل تقاضا به جهت بهره‌برداری از این ذخایر ازسرعت روند افزایش قیمت‌ها در شرایط کاهش عرضه ناگهانی جلوگیری می‌گردد.

یکی از مشکلاتی که در برداشت از این مخازن وجود دارد این است که به محض بروز بحران نمی‌توان از این ذخایر استفاده نمود و حداقل ۱۵ روز به طول می‌انجامد تا اجازه برداشت از این مخازن از سوی رئیس جمهور آمریکا صادر شود که این موضوع نیز به نوبه خود باعث تشدید روند بحران می‌شود و یکی از نقاط ضعف بهره‌برداری از این ذخایر در شراط بحرانی است.

۴-۵. ذخایر غیر رسمی

۴-۵-۱. ذخایر محتمل و ذخایر غیر قابل برداشت

ذخایر غیرقابل برداشت (منظور ذخایری است که با توجه به سطح فعلی تکنولوژی امکان برداشت و بهره‌برداری از آنها مقدور نیست و انتظار می‌رود که با پیشرفت تکنولوژی در آینده بهره‌برداری از آنها مقدور شود) و ذخایر محتمل و یا مشروط (منظور ذخایری هستند که امکان گسترش تولیدات از آنها مشروط به روش‌های بازیافت ثانویه مانند تزریق آب و گاز و یا سایر روش‌های ازیاد برداشت بستگی دارد) از عوامل تأثیرگذار بر طرف عرضه می‌باشند که به عنوان راهکارهای نهایی برای افزایش تولیدات به دلیل هزینه بالای تولید و استخراج و بالابودن ریسک سرمایه‌گذاری در میزان نفت تولید شده در برابر شرایط بحرانی و کاهش شدید عرضه یا قیمت‌های بالای نفت، بهره‌برداری از آنها صورت می‌گیرد.

براساس گزارش IEA (۲۰۰۵) میزان ذخایر غیررسمی حدود ۷ تریلیون بشکه تخمین زده شده است که از این میزان حدود ۲/۲ تریلیون بشکه در آمریکا، ۵/۲ تریلیون بشکه در کانادا، ۳/۱ تریلیون بشکه نفت سنگین در ونزوئلا و نزدیک به ۵۰۰ بیلیون بشکه در کشورهای درحال‌گذار وجود دارد.

افزایش بهره‌برداری از تولیدات ذخایر غیررسمی در شرایطی امکان‌پذیر می‌باشد که قیمت‌های نفت به اندازه‌ای افزایش یافته باشد که بتواند هزینه استخراج از این ذخایر را جبران نماید در غیر اینصورت استخراج از این میادین نیازمند بهره‌مندی از تکنولوژی‌های پیشرفته برای کاهش هزینه استخراج است. براساس گزارش IEA (۲۰۰۷) سطح ذخایر غیررسمی حدود ۵/۴ درصد از کل عرضه مایعات نفتی در سال ۲۰۱۵ و کمتر از ۸ درصد در سال ۲۰۳۰ خواهند بود.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22]

۴-۶. چشم‌انداز منابع

آنچه به ادعای مدعیان به اوج رسیدن تولید نفت اعتبار می‌دهد ماجرایی مشهور درتاریخ نفت است. درسال ۱۹۵۶ زمین‌شناسی به نام کینگ هوبرت پیش‌بینی کرد که تولید نفت آمریکا در سال ۱۹۷۰ به اوج خود خواهد رسید. مدیران وی درشرکت شل شگفت‌زده شده بودند. آنها حتی تلاش کردند هوبرت رامتقاعد کنند که از اظهار علنی این ادعا منصرف شود، اماحق باوی بود. تولید نفت آمریکا درسال ۱۹۷۰ به اوج رسید وازآن زمان دائم در حال کاهش است.

حتی کشف ذخایرقابل ملاحظه درخلیج پرودو درآلاسکا به میزان ۱۳ میلیاردبشکه نتوانسته است این روند راتغییر دهد. هوبرت همچنین محاسبه کرد که کل ذخایرقابل استخرا ج نفت آمریکا ۱۷۰ میلیارد بشکه خواهدبود. ابتدا منتقدان باتحلیل وی مخالفت واستدلال کردند. پیشرفت فناوری اکتشاف واستخراج سبب می‌شود که میزان نفت موجودآمریکا افزایش یابد. همین اتفاق رخ داد اما ذخایرآمریکا ازحدی که هوبرت تخمین زده بود بالاتر نرفت. حتی اگر نفت آلاسکا رادرنظربگیرید تاریخ نفت آمریکا تقریباً همان پیش‌بینی هوبرت را کرده است و منابع نفت داخلی آمریکا تنها تا ۸ سال دیگر باقی خواهد ماند. چندسال پیش زمین‌شناسان شیوه‌های هوبرت را به کل تولید نفت در جهان تعمیم دادند.تحلیل آنها حاکی ازآن بود که تولید نفت درخلال اولین دهه قرن ۲۱ به اوج خواهدرسید.برخی می گویند که این نقطه اوج درسال ۲۰۰۵ یا ۲۰۰۶بود.دیوید گواستاین، فیزیکدان مؤسسه فناوری کالیفرنیا که کتابش تحت عنوان "پایان نفت" انتشاریافت پیش‌بینی می کند که اوج تولید نفت تاپیش ازسال ۲۰۱۰ خواهدبود. رابرت هرش، تحلیلگر انرژی می گوید که سال دقیق خیلی مهم نیست چون همین حالا خیلی دیرشده است. وی درتحقیقی برای وزارت نفت آمریکا چنین نتیجه گرفت که بیش ازیک دهه زمان لازم است تا اقتصاد این کشور با افت تولید نفت سازگار شود. از این رو، با توجه به مسئله گسترش کمیابی در عرضه نفت و وابستگی انکارناپذیر قدرت‌های بزرگ اقتصاد جهانی نگاهی بر چشم‌اندازهای آینده عرضه و تقاضا و بررسی دلایل افزایش و گسترش وابستگی به تولیدات نفتی به درک اهیمت موضوع عمق بیشتری خواهد بخشید که در ذیل به آن اشاره خواهیم داشت.

۴-۶-۱. چشم‌انداز عرضه و تقاضا در سال ۲۰۳۰

– رشد اقتصادی و توسعه جمعیتی باعث افزایش نیاز جهانی به انرژی می‌شود. انرژی نسبت به رشد اقتصادی حساس است. پیش‌بینی می‌شود که اقتصاد جهانی تا سال ۲۰۳۰ از لحاظ حجم و اندازه دوبرابر شود. عمده این افزایش مربوط به کشورهای در حال توسعه است که امروزه تنها ۲۵ درصد

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22]

از اقتصاد خروجی جهانی را در اختیار دارند. تا سال ۲۰۳۰ این سهم به ۳۰ درصد افزایش خواهد یافت که نتیجه توسعه سریع اقتصادی کشورهایی همچون چین، هند، اندونزی و مالزی می‌باشد.

جمعیت جهانی نیز در حال توسعه است. جمعیت جهانی در حال حاضر قریب به ۵/۶ میلیون نفر است. پیش‌بینی می‌شود که جهان تا سال ۲۰۳۰ به ۸ میلیون نفر برسد که نزدیک به ۹۵ درصد این رشد مربوط به کشورهای در حال توسعه است.

در حال حاضر حدود ۱/۶ میلیون نفر از مردم جهان به انرژی الکتریکی دسترسی ندارند و حدود ۴/۲ میلیون نفر به سوخت‌های ابتدایی مانند چوب و پوشال درختان برای ایجاد گرما و به منظور مصرف روزانه وابسته‌اند.

رشد اقتصادی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه در طول حدود ربع قرن آینده تأثیر شگفت‌انگیزی بر تقاضای جهانی انرژی و الگوهای تجاری آن دارد.

- نیاز عظیم و رو به رشد به انرژی

در حال حاضر به طور متوسط روزانه ۲۵۰ میلیون بشکه انرژی (بشکه معادل نفت) در جهان مصرف می‌شود که این مقدار به صورت یکسانی میان کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه توزیع شده است. انتظار می‌رود که با توجه به میزان رشد اعلام‌شده توسط کشورهای در حال‌توسعه سریع تا سال ۲۰۳۰ نیاز جهانی انرژی تقریباً ۵۰ درصد بیشتر از مصرف جهانی حال حاضر باشد.

- سوخت‌های فسیلی، منابع غالب انرژی

با گذشت زمان منابع انرژی جدید و تکنولوژی‌های پیشرفته مربوط به آنها مورد نیاز خواهد بود. با این وجود حداقل تا سال ۲۰۳۰ سوخت‌های فسیلی و از جمله گاز همچنان اصلی‌ترین پاسخگوی تقاضای جهانی انرژی خواهند بود. این نوع از سوخت تنها منبعی است که از لحاظ مقدار و انعطاف توانایی برآورده‌کردن این نیاز عظیم جهانی به انرژی در طول این دوره را دارد. تقاضای مصرف نفت ۱/۴ تا ۱/۶ درصد و زغال‌سنگ ۱/۳ تا ۵/۱ درصد پیش‌بینی شده است که از اهمیت مجدد نفت در دو دهه آینده حکایت می‌کند. با این توصیف، طی سی سال آینده اگرچه سهم نفت در سبد تقاضای مصرف انرژی جهانی از بیش از ۴۰ درصد به حدود ۳۸ درصد کاهش می‌یابد، اما همچنان به منزله مهم‌ترین سوخت جهانی تلقی می‌شود.

ـ نفت و گاز به صورت مشترک نزدیک به ۶۰ درصد کل تقاضای انرژی در سال ۲۰۳۰ (سهمی مشابه میزان امروزی) را برطرف می‌کنند.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22]

ـ انتظار می‌رود که مصرف نفت سالانه ۴/۱ درصد رشد داشته باشد. ارتقاء سیستم مصرف سوخت وسایل نقلیه رشد تقاضا را محدود می‌سازد.

ـ پیش‌بینی می‌شود که رشد مصرف گاز ۸/۱ درصد در سال باشد که دلیل عمده آن رشد شدید تقاضای جهانی برای انرژی الکتریکی است.

- گاز طبیعی

تولید توان بالای انرژی، مزیت‌های زیست‌محیطی و فناوری پیشرفته LNG باعث رشد تقاضا برای گاز خواهد بود. میزان تقاضا برای گازطبیعی همزمان با رشد نیازها به انرژی الکتریکی افزایش خواهد یافت. این رشد با در نظرگرفتن مزایای موجود در گاز در زمینه میزان بازدهی آن در تولید انرژی و همچنین مزیت‌های زیست‌محیطی آن تقویت می‌شود. این رشد در آسیا و اقیانوسیه سریعتر خواهد بود.

- پیش‌بینی می‌شود که در آمریکای شمالی تا سال ۲۰۳۰ علیرغم افزایش عرضه از طریق خطوط لوله‌های شمالی و پیشرفت‌های عرصه گاز، صادرات LNG تا حد ۲۵ درصد عرضه جهانی افزایش یابد (این رقم در حال حاضر ۳ درصد است).

- انتظار می‌رود که این افزایش برای اروپا به میزان ۸۰ - ۴۰ درصد کل عرضه باشد. علاوه بر LNG صادرات از طریق خطوط لوله توسط روسیه و کشورهای حوزه خزر و به طور ویژه ایران افزایش خواهد یافت.

- تقاضای گاز در آسیا و اقیانوسیه در طول ۲۵ سال آینده سه برابر خواهد شد. تولیدات داخلی کشورها به طور عمده با این میزان بالای نیاز مواجه خواهد شد، با این وجود تداوم صادرات از طریق خطوط لوله و حجم‌های عمده صادرات به حالت LNG نیز مورد انتظار است.

چشم‌اندازها براساس گزارش IEA از سرمایه‌گذاری در تمام دنیا در بخش انرژی نزدیک به ۲۲ تریلیون در سال ۲۰۳۰ محاسبه شده است. در آسیا نزدیک به ۴/۴ تریلیون تنها برای تغییر ساختار نفت همچنین توسعه در صنایع جدید نفت و گاز در ۶ عضو خلیج فارس نزدیک به ۳۰۰ بیلیون دلار نیازمند سرمایه‌گذاری است. براساس گزارش دپارتمان انرژی آمریکا، عربستان‌سعودی به عنوان بزرگترین تولیدکننده و صادرکننده نفت جهان نیازمند افزایش در تولیدات نفت خام از ۱۱ میلیون بشکه به ۲۳/۵ میلیون بشکه در سال ۲۰۲۵ اعلام شده است. در حال حاضر با توجه به شرایط فعلی این میزان ۱۵ میلیون بشکه در روز بیشتر نخواهد بود. از این رو، چشم‌اندازهای اعلام‌شده تا حدی با

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22]

ریسک گسترش و اطمینان از تحقق سرمایه‌گذاری‌ها همراه است و در نتیجه امکان اختلاف میان افزایش ارقام واقعی در سال‌های آینده و میزان پیش‌بینی‌های فعلی به دلیل افزایش تقاضا و محدودیت‌های سرمایه‌گذاری‌ها در مقابل آن انتظار انحراف دارد و میزان این اختلاف تحت تأثیر شرایط آینده این بازار است.

جدول ۱. تقاضای انواع انرژی با پیش‌بینی برای سال ۲۰۳۰

(میلیون تن معادل نفت خام)

	متوسط رشد سالانه				
	۲۰۰۵	۲۰۱۰	۲۰۲۰	۲۰۳۰	(۲۰۰۵-۲۰۳۰)
نفت	۴۰۰۲	۴۳۱۹	۴۹۶۶	۵۶۸۹	۴/۱
سوخت‌های جامد	۲۸۲۲	۳۱۴۴	۳۷۰۳	۴۱۸۱	۶/۱
گاز	۲۳۴۶	۲۶۵۵	۳۳۵۲	۴۲۷۶	۴/۲
سوخت آبی / هسته‌ای تجدیدپذیر	۱۰۴۱	۱۱۱۷	۱۲۸۳	۱۴۳۴	۳/۱
کل	۱۰۲۱۲	۱۱۲۳۶	۱۳۳۳۵	۱۵۵۸	۷/۱

Source: OPEC, World Oil Outlook, IEA, 2007.

۵. نفت ارزان منبع بی‌ثباتی اقتصادی و سیاسی

با توجه به وابستگی زیاد بسیاری از کشورهای تولیدکننده نفت به درآمدهای نفتی کاهش چشمگیری در مصرف جهانی انرژی در نتیجه یک رکود اقتصادی به همراه یک کاهش وسیع در قیمت‌های جهانی نفت می‌تواند اثر چشمگیری در ایجاد بی‌ثباتی در بسیاری از مناطق دنیا داشته باشد، به ویژه در کشورهای صادرکننده نفت[1]. در سال ۱۹۸۸ در طول بحران مالی آسیا و آثار جهانی آن چندین کشور صادرکننده نفت با کاهش ۵۰ درصد در درآمدهای نفتی‌شان مواجه شدند که نتیجه آن ایجاد بی‌ثباتی‌های سیاسی و اقتصادی بود. از جمله آثار این بی‌ثباتی، تغییر دولت‌ها از جمله در آفریقا، بروئنی، اندونزی ، نیجریه و ونزوئلا بود. افزایش قیمت‌های نفت به ۱۴۷ دلار در هر بشکه در سال ۲۰۰۸ و آثار کاهش قیمت‌ها در سال‌های فعلی بر ثبات اوضاع و احوال سیاسی و اقتصادی در بیشتر کشورهای صادرکننده و واردکننده نفت تأثیرگذار بوده است. چنین به نظر می‌رسد که با افزایش قیمت‌های نفت تولیدکنندگان در سیاست خارجی خود از قدرت چانه‌زنی بیشتری برخوردار می‌شوند و از این رو، طرف‌های مقابل ایشان برای سلب چنین قدرتی سیاست‌های مقابله‌جویانه در پیش گرفتند. در چنین فضایی انتظار گسترش حملات تروریستی به تأسیسات نفتی

1. Myers Jaffe and Manning

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22]

در کشورهای تولیدکننده و گسترش ناامنی و افزایش ریسک در سرمایه‌گذاری‌ها چندان دور از نظر نیست.

نفت ارزان به دلیل کاهش درآمد ارزی کشورهای تولیدکننده و بیشتر تولیدکنندگان عضو سازمان اوپک منجر به افزایش تولید برای جبران کاهش درآمد ناشی از کاهش قیمت‌ها می‌گردد. در برابر کاهش قیمت‌ها به دلیل کاهش فعالیت‌های سرمایه‌گذاری ناشی از کاهش قیمت نفت زمینه افزایش قیمت‌ها در آینده را ایجاد می‌کند شاهدی بر این ادعا حوادث سال ۱۹۸۰ است که به دلیل افت تقاضا از تولیدات اوپک و در نتیجه کاهش سطح سرمایه‌گذاری‌ها به دلیل پایین بودن قیمت‌ها منجر به افزایش شدید قیمت‌ها در سال‌های بعدی شد. از جمله آثار و تبعات کاهش قیمت‌های نفت عبارتند از درآمد کمتر برای تولیدکننده‌ها، کاهش بودجه کشورهای نفتی، کاهش واردات کشورهای نفتی از کشورهای صنعتی، رکود در بازار غرب که خریدار آنها کشورهای نفتی به ویژه اوپک هستند، ایجاد بحران در کشورهای نفتی در رابطه با عدم اجرای پروژه‌ها و امکان تحولات سیاسی عمیق، ایجاد بحران در کشورهای صنعتی به دلیل بیکاری در رابطه با عدم خرید کالاها توسط کشورهای نفت‌خیز، خروج بخشی از ذخایر انرژی اوپک از بانک‌های بین‌المللی به دلیل نیاز مالی، کاهش قدرت وام‌دهی بانک‌های بین‌المللی که متکی به ارزهای نفتی هستند، کاهش کمک به کشورهای فقیر توسط اوپک به دلیل کمی درآمد، بهتر شدن موازنه پرداختی کشورهای بسیار فقیر به دلیل ارزانی نفت، عضوهای بدهکار و فقیر اوپک مانند اندونزی و نیجریه به شدت ضربه خورده و وام‌هایشان پرداخت نخواهد شد، ضربه‌خوردن به ثروت انباشته کشورهای صادرکننده نفت و صدمه‌خوردن به فعالیت‌هایی که به دلیل ارزانی نفت در انرژی‌های جانشین به وجود آمده‌اند. حال سؤالی که مطرح است این است که چرا قیمت‌های نفت بالاست؟

استیونس در مطالعه خود در بررسی علل بالابودن قیمت‌های نفت طی سال‌های (۲۰۰۶-۲۰۰۵) اشاره می‌کند که منافع هدایت‌کنندگان این بازار اول تولیدکنندگان و سپس مصرف‌کنندگان ایجاب می‌کند که قیمت‌ها بالا باشد. بالارفتن قیمت‌ها کارایی مصرف انرژی را در کشورهای مصرف‌کننده افزایش داده و در عین حال با افزایش قدرت خرید کشورهای صادرکننده نفت و افزایش تقاضای واردات ازغرب و آمریکا منجر به رشد وافزایش تولید اقتصاد غرب و آمریکا می‌گردد. همچنین افزایش قیمت‌های نفت نیز به دلیل کاهش تقاضا و تغییر سلیقه مصرف‌کنندگان به استفاده از منابع جایگزین زمینه کاهش قیمت‌ها را در آینده فراهم می‌سازد و در عین حال منجر به رونق سرمایه‌گذاری و گسترش برنامه‌های افزایش ظرفیت تولید به دلیل سودآوری سرمایه‌گذاری می‌شود

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22]

هر چند که سرمایه‌گذاری در نفت یک سرمایه‌گذاری بلندمدت است و نتایج آثار آن در بلندمدت قابل حصول است. از جمله آثار و تبعات افزایش قیمت‌ها عبارتند از سرازیر شدن دلارهای نفتی به اقتصاد کشورهای تولیدکننده نفت، رشد ذخیره ارزی و رونق خرید از کشورهای غربی برای واردات که منجر به شکوفایی اقتصاد خود نیز می‌شود، گسترش قدرت نظامی با خریدتسحیلات جنگی از سوی کشورهای تولیدکننده، افزایش قدرت وام‌دهی بانک‌های بین‌المللی به دلیل رشد پس‌اندازهای کشورهای نفتی.

در نهایت، در برابر رویکرد افزایش یا کاهش قیمت‌ها، برقراری قیمت‌های عادلانه برای نفت به گونه‌ای که منافع تولید کنندگان و مصرف‌کنندگان را تأمین نماید به عنوان یکی از عوامل مهم برقراری ثبات و امنیت در بازار نفت به شمار می‌آید (مزرعتی، ۱۳۸۶).

۶. اقتصاد سیاسی نفت

نفت به تنهایی یک کالای اقتصادی، سیاسی یا استراتژیک نیست بلکه این سه ویژگی را داراست ونمی‌توان صرفاً به یکی از وجوه آن توجه کرد. رسوخ نفت درتمام زوایای زندگی بشر آن را به یک کالای حیاتی تبدیل کرده است و اساساً درحال حاضر زندگی صنعتی بدون نفت میسر نیست.

عموم مسایل سیاسی نیزحول محور خاورمیانه می‌گذرد. این موضوع به این دلیل می‌باشد که سه منبع از چهار منبع اصلی نفت جهان دراین منطقه قرار گرفته است. این سه منبع درکشورهای ایران، عراق وعربستان سعودی واقع هستند. عراق همچنان دچار درگیری‌ها وجنگ‌های داخلی است و صنعت نفت آنها هدف خرابکاری‌ها قرار می‌گیرد و تولیدات این کشور بسیار کمتر از ظرفیت آن است. ازدیدگاه جهانی برنامه هسته‌ای ایران هم جزء مسایل مرتبط با نفت است و تحولات و گفت‌وگوها ونتیجه‌گیری‌های مرتبط با این موضوع درحرکت‌دادن قیمت‌ها تأثیرگذار است. عربستان سعودی بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت نیز بامسائل گوناگون سیاسی مواجه است. باتوجه به شرایط فوق به نظرمی‌رسد که بازار نفت همچنان آشفته خواهد ماند و فشار بیشتر در جهت افزایش قیمت و نه کاهش آن وجود دارد.

افزایش یا کاهش قیمت‌ها درزمینه‌های سیاسی استراتژیک پیام خاص خودرادارد. بر اساس اصول اقتصاد سیاسی نفت افزایش قیمت‌های نفت منجر به کاهش اصلاحات درونی سیاسی و اقتصادی در دولت‌ها گردیده و منجر به استبداد نفتی می‌گردد (فریدمن، ۲۰۰۶). به این معنا که در کشورهایی مانند عربستان و ونزوئلا چنین قدرتی که ناشی از وجود نفت و گاز در افزایش درآمد

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22]

دولت ظاهر می‌شود نتیجه‌ای جز رشد سیستم استبدادی ندارد. همچنین رکود در بازار نفت پدیده‌ای دوره‌ای است که پس از دوره شکوفایی به وجود می‌آید. رکود به صورت طبیعی مصرف کمتر را در پی خواهدداشت و کاهش مصرف منجر به کاهش تقاضا از تولیدکنندگان می‌شود و در این حالت قدرت‌های سیاسی تضعیف می‌شوند در حالی‌که در برابر افزیش قیمت‌ها و کاهش تقاضا تولیدکنندگان با در اختیار داشتن ظرفیت مازاد تولید از یک قدرت بازاری به ویژه در عرصه سیاست خارجی در مقابل مصرف‌کنندگان برخوردار می‌شوند.

کاهش قیمت‌های نفت این شانس را از سیاستمداران در عرصه سیاست خارجی گرفته و قدرت چانه‌زنی ایشان را در پیشبرد اهدافشان به ویژه در کشورهایی که اقتصادشان وابسته به نفت است کاهش می‌دهد. هر چند در سایر بخش‌های مقاله تأکید می‌شود که تلقی نفت به عنوان ابزاری استراتژیک بر بحران‌ها و آشفتگی‌های بازار می‌افزاید اما تا زمانی‌که جامعه جهانی دست از قدرت‌طلبی برنداشته و به صورت یک اتحاد یکپارچه برای افزایش سطح زندگی تمام مردم دنیا تلاش ننماید بهره‌مندی از هر ابزاری برای حصول موفقیت در عرصه سیاست خارجی از سوی هر کشوری عقلایی به نظر می‌رسد.

از دیگر جریانات موردتوجه در حوزه اقتصاد سیاسی نفت موضوع ملی‌شدن منابع نفتی در کشورهای تولیدکننده است که در ذیل به آنها اشاره خواهیم داشت.

۶-۱. ملی‌شدن منابع و مسائل ژئوپلیتیک

از دهه ۵۰ به بعد، درغرب نگرانی‌هایی درخصوص دکترین ملی‌سازی صنعت نفت درکشورهای نفت‌خیز پدید آمد. کشورهای تولیدکننده یکی پس از دیگری نفت خود را ملی اعلام کردند. درآن مقطع کنسرسیوم‌های نفتی برحفظ مواضع خوددرصنایع نفت این کشورها اصرار داشتند. به موازات تلاش آنها سازمان خرید به وجود آمد که درواقع کشورهای مصرف‌کننده را در اتخاذ سیاست‌های خرید و ذخیره‌سازی نفت تحت پوشش قرارداده و هماهنگ می‌کرد. امروزه به دلیل وجود بحران‌های مالی این روند معکوس شده است و این تولیدکنندگان نفت هستند که به دلیل کمبود سرمایه به کنسرسیوم‌های نفتی روی آورده‌اند. در حال حاضر، مؤسسات مالی جهان به کشورهای تولیدکننده وام‌های اساسی نمی‌دهند تا در تنگنا قرار گرفته و مجبور شوند به سوی سرمایه‌های خارجی رفته و مجدداً به تشکیل کنسرسیوم‌های نفتی تن دهند .این پدیده یک تراژدی است که درعین حال کشورهای تولیدکننده نفت ناگزیر ازتن دادن به آن بدان مبتلا شده‌اند.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22]

۶-۲. مصلحت‌گرایی بهره‌برداری‌ازمنابع‌داخلی‌درتوسعه‌درمقابل‌افزایش‌صادرات و تزریق دلارهای نفتی با هدف توسعه اقتصاد

یکی از جریانات بسیار مهم در حوزه امنیت عرضه نفت تأثیر پدیده‌ای به نام مصلحت‌گرایی منابع[1] می‌باشد. این موضوع ابتدا در بحث‌ها و نظرات پول استیونس (۲۰۰۸) آشکار گردید. به اعتقاد وی نفت در زمین بسیار با ارزش‌تر از پول در بانک است. برداشت از این نظر حاکی از آن است که چگونه می‌توان از ثروت نفت در مقابل پول‌های موجود در بانک‌ها برای رشد و توسعه بهره برد. در حقیقت واژه مذکور به مسئله نقش نفت در صادرات کشورها در کنار آثار توسعه‌ای آن بر اقتصاد تأکید دارد. برای نشان دادن این نقطه‌نظر بر اساس شواهد تاریخی به عنوان مثال در سال ۲۰۰۶ کشورهای عضو اوپک، مکزیک و روسیه با یکدیگر در حدود روزانه ۱۲ میلیون بشکه مصرف داشته‌اند. اقتصاد خاورمیانه به تنهایی طی دوره (۲۰۰۷-۱۹۹۷) نزدیک به ۳/۵ برابر مصرف خود را افزایش داده است یعنی بیش از ۴۳ درصد در طول ۱۰ سال. در مقابل، آمریکای شمالی تنها ۱۹ درصد مصرف خود را در همین دوره افزیش داده است (BP, 2008). عواملی از جمله افزایش سطح زندگی، افزایش شهرنشینی، گسترش سرمایه‌گذاری‌ها در بخش صنعت و کشاورزی و افزایش یارانه بنزین در کشورهای صادرکننده از عوامل رشد مذکور به شمار می‌آیند.

براساس مطالعه رابین و بوکانان (۲۰۰۷) رشد مصرف داخلی در کشورهای اوپک، مکزیک، روسیه در سال‌های آینده ناشی از افزایش ۲/۵ میلیون بشکه‌ای نفت در افزایش مصرف آنها خواهد بود. براساس مطالعه برون فیل[2](۲۰۰۸) رشد سریع مصرف داخلی انرژی در اقتصادهای خلیج‌فارس نیز ناشی از سودهای بلندمدت و افزایش قیمت‌های نفت در بهره‌برداری برای توسعه انرژی هسته‌ای بوده است.

به نظر می‌رسد که استراتژی کشف سود اقتصادی آینده که از صادرات و افزایش قیمت‌های نفت نشأت می‌گیرد نمی‌تواند مانع از سیاست مصلحت‌گرایی منابع شود. بر این اساس، کشورهای صادرکننده درابتدا امنیت کافی بودن عرضه برای مصرف داخلی خود را فراهم می‌کنند و سپس، مازاد آن را به جهان می‌دهند. هر چند مطالعات بسیاری از جمله مطالعه سل دبوغی[3] (۲۰۰۵) نشان داده که اغلب تولیدکنندگان اوپک در مواجهه با افزایش قیمت‌ها برای افزایش درآمد ارزی و همچنین در برابر کاهش قیمت‌ها نیز برای جبران درآمد کاهش یافته ناشی از کاهش قیمت‌ها

1. Resources Pragmatism
2. Brumfiel
3. Sel Dibooglu

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22]

تولیدات آنها را افزایش می‌دهند، اما به نظر می‌رسد که این موضوع با موضوع ثبات اقتصادی کشورهای صادرکننده مرتبط است. مسئله مصلحت‌گرایی در برخورداری از این ثروت در برابر نوسان‌ها ایجاب می‌کند که برای بقاء اقتصاد چنین سیاستی اتخاذ شود. عربستان با بهره‌مندی از سیاست درآمد هدف همواره میزان تولید خود را تا حصول درآمد پیش‌بینی‌شده در بودجه تغییر می‌دهد و در نتیجه افزایش یا کاهش قیمت‌ها انگیزه تغییردهنده تولیدات این کشور نیست، اما سایر اقتصادهای اوپک در اثر تحریم‌ها یا درگیری‌های داخلی و در نتیجه عدم ثبات سیاسی در کنار این موضوع که نفت عمده‌ترین کالای صادراتی و منبع تأمین ارز این کشورهاست تولیدات خود را در مقابل تغییرات قیمت تغییر می‌دهند اما امکان اینکه آیا دولت‌ها برای افزایش منابع درآمدی خود ممکن است از طرق مختلف مصرف داخلی را کاهش داده یا خیر در حقیقت نیازمند مطالعات جدید است که بتواند میزان مصلحت‌گرایی دولت‌ها را بسنجد هر چند به نظر می‌رسد که موضوع کاهش مصرف داخلی برای تأمین درآمد بیشتر دولت از صادرات آن تا حدی با رویکرد توسعه‌یافتگی در تناقض باشد به این معنا که افزایش مصرف انرژی یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی کشورهاست و دور از انتظار است که دولت‌ها حاضر شوند با کاهش توسعه داخلی با افزایش تولیدات زمینه افزایش توسعه اقتصاد مصرف‌کنندگان را فراهم نمایند. هر چند برای توصیف میزان مصلحت‌گرایی دولت‌ها در بهره‌مندی از ثروت‌های ملی نیازمند مقیاس‌هایی هستیم که این موضوع می‌تواند زمینه‌ای برای مطالعات آینده باشد.

۷. سرمایه‌گذاری در حوزه نفت و نقش عوامل محدودکننده

اینکه چگونه سرمایه‌گذاری تحت تأثیر عوامل محدودکننده قرار می‌گیرد یا به عبارتی اینکه چگونه سرمایه‌گذاری محدود می‌شود از جمله پرسش‌های کلیدی سرمایه‌گذاری در حوزه نفت به شمار می‌آید. کشف زمان مناسب برای سرمایه‌گذاری و اینکه چه میزان سرمایه‌گذاری باید انجام شود نیز بسیار مهم است.

از جمله شواهد تاریخی تأثیر کاهش قیمت‌ها بر سطح فعالیت‌های سرمایه‌گذاری می‌توان به حوادث اواخر سال‌های ۱۹۷۰ و اوایل ۱۹۸۰ اشاره کرد. در اواخر سال ۱۹۷۰ و اوایل ۱۹۸۰ تولیدات اوپک به طور خودکار تحت تأثیر افزایش در تولیدات غیراوپک و کاهش تقاضای جهانی کاهش یافت. از اواسط ۱۹۸۰ تولیدکنندگان اوپک از یک ظرفیت مازاد زیادی در خلال این دوره بهره‌مند شدند که این موضوع باعث گردید که انگیزه اوپک برای افزایش سرمایه‌گذاری در گسترش

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22]

ظرفیت تولید در سال‌های آینده کاهش یابد و اثر این کاهش در سال‌های آینده بر روند صعودی قیمت‌های نفت تأثیرگذار شود. همچنین که سقوط قیمت‌ها به بشکه‌ای ۲۰ دلار برای مدت زیادی انگیزه افزایش سرمایه‌گذاری را میان شرکت‌های نفتی طی دوره فوق کاهش داد.

براساس گزارش IEA (۲۰۰۶) و IMF (۲۰۰۸) و مطالعه مابرو (۲۰۰۶) سرمایه‌گذاری در حوزه‌های نفت و گاز برای توسعه و استخراج از آغاز دهه فعلی افزایش یافته است و این افزایش تا سال ۲۰۱۰ نیز ادامه خواهد داشت.

سرمایه‌گذاری در بخش انرژی یک سرمایه‌گذاری متمرکز بلندمدت است و به مقدار زیادی تحت تأثیر ثبات سیاسی– اقتصادی، نرخ بازگشت سرمایه، تأثیر نوع حوزه‌های تولیدی و بسیاری متغیرهای دیگر است. در میان عوامل برشمرده بزرگترین تهدید سرمایه‌گذاری موضوع فقدان امنیت و ثبات سیاسی– اقتصادی است. محدودیت دولت‌ها در گسترش فعالیت‌های سرمایه‌گذاری در صنایع بالادستی به دلیل محدودیت‌های مالی-گسترش حملات تروریستی به تأسیسات نفتی عربستان به عنوان بزرگترین تولیدکننده نفت جهان نیز تأثیر بسزایی بر سطح سرمایه‌گذاری‌های خارجی در حوزه‌های تولیدی خواهد داشت. عوامل برشمرده فوق منجر به افزایش ریسک در سرمایه‌گذاری‌های خارجی و نااطمینانی سرمایه‌گذاران از بازگشت سرمایه‌هایشان خواهد شد و در نتیجه کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری را در این حوزه در پی خواهد داشت.

براساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی (۲۰۰۷) مقدار سرمایه‌گذاری کافی برای تحقق چشم‌انداز عرضه برای سال ۲۰۳۰، ۲۲ تریلیون دلار اعلام شده که تحت تأثیر عوامل فوق و گسترش ریسک و نااطمینانی در میان تولیدکنندگان بزرگ جهان، تحریم‌های گسترده و محدودیت دسترسی به منابع مالی کافی برای توسعه ظرفیت تولیدات در کشورهای تولیدکننده تحقق چنین چشم‌اندازی به مقدار زیادی با شک و تردید همراه است.

به هر حال اقتصاد جهانی نیازمند نفت است. نفت خون در جریان اقتصادهای صنعتی دنیاست و از این رو، اقتصاد جهانی علیرغم وجود ریسک‌های متعدد در حوزه سرمایه‌گذاری نفت نیازمند گسترش طرح‌های گسترش ظرفیت تولید است. گسترش این طرح‌ها نیز با کمک تولیدکنندگان از طریق همکاری با مصرف‌کنندگان امکان‌پذیر است. درغیر اینصورت هر کشوری تنها بر اساس منافع خود سیاستگذاری خواهد کرد که نتایج چنین فضایی برای مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان مضر خواهد بود و نتایجی جز گسترش ناآرامی‌ها را در این بازار در پی نخواهد داشت.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22]

۸. نتیجه‌گیری

موضوع امنیت بازار جهانی نفت نه تنها موضوعی برای فعالان بازار نفت بلکه برای تمام ارکان اقتصادی دنیا به دلیل ارتباط عمیق این بازار با سطح فعالیت‌های جهانی دارد. جنبه‌های مختلف ساختار امنیتی بازار جهانی نفت در این مطالعه با تأکید بر تأثیر نقش روند قیمت‌ها در کنار محدودیت‌های سرمایه‌گذاری و چشم‌اندازهای آینده عرضه و تقاضا مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در نهایت، ایجاد فضای همکاری، رفع موانع محدودکننده در حوزه سرمایه‌گذاری، افزایش همکاری‌های بین‌المللی برای تأمین منابع مالی، لغو تحریم‌ها از سوی آمریکا در برخی از کشورهای تولیدکننده به ویژه ایران، رفع و کاهش بی‌ثباتی‌های سیاسی و درگیری‌های داخلی و عدم تلقی نفت به عنوان کالایی استراتژیک و ابزاری سیاسی در اختیار دولت‌ها در سیاست‌های خارجی ایشان می‌تواند تا حدی آرامش را در این بازار آشفته و پرنوسان فراهم سازد که نتیجه چنین فضایی که تا به امروز هنوز شاهد آن نبوده‌ایم، قطعا منافع بیشتری را به جهت ایجاد امنیت در بازار نفت و همچنین گسترش فعالیت‌های اقتصادی و رفع موانع سرمایه‌گذاری به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر تأثیرگذار بر رشد و توسعه کشورها به ویژه در حوزه انرژی را به همراه خواهد داشت.

منابع

مزرعتی، محمد (۱۳۸۶)، "امنیت انرژی دو روی یک سکه: امنیت عرضه و امنیت تقاضای انرژی"، *فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی*، شماره ۱۳.

شکاری، مهری (۱۳۸۷)، "تأثیر ظرفیت‌های مازاد تولید بر روی رفتار اوپک"، *فصلنامه مطالعات اقتصادانرژی*، شماره ۲۰.

ASPO 2006*, Saudi Arabia Revisited,* ASPO Newsletter 66, June.
BP (British Petroleum) (2006), *BP Statistical Review of World Energy*, June.
BP (British Petroleum) (2007a), *BP Statistical Review of World Energy*, June.
BP (British Petroleum) (2007b), Upstream Major Projects.
BP (British Petroleum) (2008), British Petroleum.
BP Statistical Review of World Energy, June2008.
IEA (International Energy Agency) (2004), World Energy Outlook.
IEA (International Energy Agency) (2005a), From Resources to Reserves.
IEA (International Energy Agency) (2005b), World Energy Outlook.
IEA (International Energy Agency) (2006), World Energy Outlook.
IEA (International Energy Agency) (2007), World Energy Outlook.
IEA (International Energy Agency) (2008), World Energy Outlook.
EIA (US Energy Information Agency) (2006), International Energy Outlook.
EIA (US Energy Information Agency) (2007a), International Energy Outlook.
EIA (US Energy Information Agency) (2007b), Personal Communication with Mir Yousuf Uddin, Reserves and Production Division.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22]

EIA (US Energy Information Agency) (2008), International Energy Outlook.
ExxonMobil (2006a), Annual Report, Available on www.exxonmobil.com.
Friedman, T.L. (2006), *The First Law of Petropolitics*, Foreign Policy, May–June.
Goetz, R. (2007), *Russlands Erdgas und Europas Energiesicherheit*, SWP-Studie S21, Berlin, August.
Hungtinton, G. (2008), "The Oil Security Problem", Energy Modelling Forum Stanford University, CA 94305-4026.
Isaac, J., Miller & Ronald A. Ratti (2009), "Crude Oil and Stock Markets: Stability, Instability and Bubbles", *Energy Economics*, Vol. 31, PP. 559–568.
Kjarstad, J. & P. Johnsson (2010), "Resources and Future Supply of Oil", *Energy Policy,* Vol. 37, PP. 441–464.
Mabro, R. (2006), *Oil in the Twenty-First Century,* Issues, Challenges and Opportunities, Oxford University Press, Oxford.
Matutinovic, Igor (2009), "Oil and Political Economic of Energy", *Energy Policy*, Vol. 39, PP. 20-34.
Saudi Aramco (2007), *Year2007Review*, Availableon /www.saudiaramco.com.
Stevens, P. (2008), "The Coming Oil Supply Crunch :A Chatham House Report", Royal Institute of International, Affairs /www.chathamhouse.org.uk.
Loschel, A., Moslener., Dirk T.G. & Rubbelke (2010), "Indicators of Energy Security in Industrialized Countries", *Energy Policy*, Vol. 38, PP. 1665–1671.
Rubin, J. & P. Buchanan (2007), Cheap Gasoline in Producing Countries Will Have the Rest of the World Paying More, Strateg Econ—July 18,4–7, CIBC World Markets, /http://research.cibcwm.com/economic_public/download/S.
Umbach, F. (2010), "Global Energy Security and The Implications for the EU", *Energy Policy*, Vol. 38, PP. 1229–1240.
Watkins, G.C. (2006), "Oil Scarcity: What Have the Past Three Decades Revealed", *Energy Policy*, Vol. 34, PP. 508–514.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22]